

● شعر زنان افغانستان

● به کوشش دکتر مسعود میرشاهی

● از انتشارات خاوران - پاریس

● چاپ نخست، ۱۳۷۹، تیراژ ۱۰۰۰ نسخه

۳۷۴

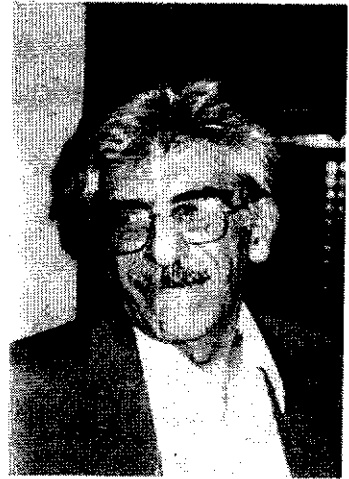
آقای دکتر مسعود میرشاهی، پزشک متخصصی است که هم کار تدریس در یکی از دانشگاههای پاریس را در رشته تخصصی خود عهده دار است و هم با عشق و علاقه در زمینه و حوزه زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به پژوهش می پردازد. به دور از هر غوغا و تظاهری به تدارک و برپایی نشست های علمی و جهانی برای شناساندن تمدن و فرهنگ زادگاهش ایران کمک کرده و به نشر آثاری در این جهت می پردازد. از جمله آنها کتاب «شعر زنان افغانستان» است که در این مختصر به معرفی آن می پردازم.

کتاب در ۳۳۸ صفحه و در سه بخش فراهم آمده است.

در بخش نخست، پس از نمایه نام زنان شاعر و عنوان سروده های آنان، در پیش نوشتار خود به معرفی نخستین زنان شاعر پرداخته و از زبیده زن هارون الرشید و رابعه بلخی، نام برده است. سپس، به کوششهای انجام شده در سالهای دور گذشته، و معرفی نام نخستین کسانی که کتابنامه زنان سراینده ای تألیف و تدوین کرده اند، اشاره ای کرده است. از آنجمله امیر فخرالدین هروی، که در هند و در زمان اکبر شاه، تذکره «جواهر العجایب» را نوشت و یا محمود میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار که «نقل مجلس» را تألیف کرد و یا «مشاهیر النساء» محمد ذهنی افندی که به ترکی بود و ترجمه آن در سال ۱۳۰۶ ه. ق. به نام «تذکره الخواتین» در هند چاپ شد و یا «خیرات الحسان» محمد حسن خان اعتمادالسلطنه که در سه جلد در سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ در تهران به صورت



● دکتر مسعود میرشاهی



● حمید ایزدپناه

چاپ سنگی نشر یافت. نویسنده محترم به مأخذ و منابع دیگری که در تدوین کتاب خود از آنها بهره گرفته، اشاره نموده است. پس از آن ستمهایی را که بر زنان رفته و تأثیر آن در سروده‌هایشان، یاد کرده، و از آن جمله انتخاب نام شعری یا تخلص این پرده‌نشینان است که حتا نام و آثارشان نباید از پرده بیرن می‌آمد. مانند نامهای حجابی، مخفی، مستوره، محجوب، و نهانی.

در بخش دوم زیر واژه «دری»، نام تنی چند از شاعران زن پارسی سرا از سده‌های پیش تا کنون با نمونه‌هایی از شعر آنها را آورده‌اند.

بخش سوم یا پایانی کتاب هم، تک بیت‌هایی است بنام «لندی - londay» به زبان پشتو با برگردان فارسی که مانند همه تک بیت‌های بومی در همه جا، شکایت از زندگی و یا گله از معشوق است. توضیح داده شده که بعضی از تک بیت‌ها، ویژه زنان و یا مردان است و برخی بیان آنها مشترک میان زن و مرد است. به هر صورت تدوین و تألیف کتاب، کوششی است با ارزش در جهت معرفی زنان شاعر افغانستان در حوزه جغرافیای فرهنگی زبان فارسی.

چند نکته درباره این کتاب

کوششهای آقای دکتر مسعود میرشاهی در گردآوری و تدوین این کتاب، ارزنده و در خور تمجید است و نشانی از عشق و علاقه ایشان به فرهنگ و زبان فارسی و میراث نیاکان است.

اما باید گفت آنچه در بخش زیر عنوان «دری» از شاعران آمده است، به زبان فارسی است نه دری، و مؤلف محترم نیز هیچ توضیحی نمی‌دهد که خواننده غیرافغانستانی تفاوت پارسی را از دری بشناسد. در حالی که در مطالب پس از آن، همان لفظ و کلام را پارسی می‌داند و می‌نویسد. اگر این فارسی در مرز و محدوده افغانستان دگرگونیهای آوایی هم داشته باشد، باز واژه و کلام همانست که در فارسی متداول است. بهتر بود دست کم به صورت اضافه توصیفی آنرا «فارسی دری» می‌نوشتند که به نظر من چیزی را عوض نمی‌کرد. در واقع اگر سروده شاعر نامدار ناصر خسرو قبادیانی را هم معیار بدانیم، او نیز به فارسی سرود که:

من آنم که در پای خوکان نریزم مر این گوهرین در لفظ دری را

یعنی دری که همان زبان فارسی است. گرچه در گذشته نیز درباره زبان و تعریف «دری» زیاد نوشته‌اند، ولی آنچه اینجاست و اشعاری که آقای دکتر میرشاهی در تألیف خود آورده‌اند، فارسی است.

اما، کتاب در واقع مجموعه‌ای از شعر چند نسل است که در مقایسه با سروده‌های سرایندگان پیشین و نسل همزمان ما، تفاوت‌هایی وجود دارد که مهمترین آنها دگرگونی‌های اجتماعی است. مضمونهای تغزلی به همان روال شعر عروضی است. اغلب توصیف آنها، «مردانه» است. یعنی وصف معشوق است از نگاه و تخیل و زبان یک مرد عاشق شاعر. در ایران هم گاه چنین مشکل و حال و هوا در بیان عاشقانه‌ها و بویژه ترانه‌سرایی نیز هست. گاه که یک آهنگ‌ساز اثر و آهنگ خود را به شاعر و ترانه‌سرای مردی می‌سپرد تا بر روی آن کلام بگذارد، شاعر مرد، بر پایه احساس مردانه خود ترانه می‌سرود و کار را آماده می‌کرد در حالی که یک خواننده زن آنرا اجرا می‌کرد که ترانه مردانه بود و خواننده زن.

اما بسیاری از اشعار زنان شاعری که در این تألیف آمده، نیز دارای همان لطافت احساس زنانه است که در برخورد با مسایل و مشکلات دامنگیر اجتماع آنها سروده شده است. مانند شعر خانم امجد رضایی اهل هرات که چنین سروده است:

زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست
 عقیق جام دلم رنگ خوشدلی نگرفت ز بس که زهر ستم در رگ سبوی منست
 زنم که زندگیم را رقم زند دگری حقوق حقه من در کف عمومی منست

باری از دوره تجدید حیات ادبی و پس از پذیرش آیین مقدس اسلام، شعر همواره تنها وسیله مؤثر برای بیان شادی یا دردها و رنجها بوده است. تأثیرپذیری زبان شعر را نمی‌توان انکار کرد. آنچه در سروده‌های نسل کنونی تصویر شده، ویرانی و درد و آوارگی و دربدری است که جز با کلام منظوم، بیان آنها مؤثر نیست. زنان شاعر و با احساس افغانستان، علاوه بر شعر سنتی، با



شعر زنان افغانستان

به نوشته: عسکه حریزاده

۳۷۷

تأثیرپذیری بسیار ژرف از شعر معاصر ایران، و با آنچه شعر نو و سبک نیمایی شهرت یافته، توانسته‌اند فریاد و اندوه از زندگی بر باد رفته و آشیان و وطن ویران شده، و رنج دربدری و بی‌همزیبانی خود را در سروده‌های تنیده‌ی دل و بافته‌ی جان، به گوش جهانیان برسانند. مانند این سروده‌ی خانم نادیه فاضل است که در کابل به دنیا آمده و اینک آواره از وطن خویش است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اشکی بر ویرانه‌ها

همه جا خاکستر

همه سو تلخ و خموش

قهقه کرکس بیداد فضا را بگرفت

دست بدنام سیاهی

تیر رگیار بیارید

و هزاران گل بر شاخه‌ی عطر افشان را پرپر کرد

خون و خاکستر قامت

شهر بلا دیده‌ی ما را بگرفت

یا شعر غمبار لهیب آتش این شاعر، که خطاب به پدر خود سروده است:

The Hidden Face of Afghan Women

Poetess Women of Afghanistan

Anthology edited
by Massoud Mirshahi

Editions Khavaran
2000

پدر، ملال دلت را ز دور می شنوم
شکست قامت و لرزنده دستهایت را
هزار بار بود مرگ بهتر از اینم
که غمگناهی چنین بشنوم صدای ترا
پدر، ز خاک تو فریاد صد هزاران را
و داستان غم انگیز شهر ویران را
من از دیار تو، از کوجهای خاطره هام
به درد می شنوم قصه اسیران را

ز روستای به آتش کشیده می شنوم
ز باغهای به آتش نشسته خاموش
ز کشتزار به تاراج رفته از وحشت
ز شهر مرده، که آتش نشاند در آغوش
میان خانه ویران شهر سوخته ام
فتاده قامت پاکی به خون و خاکستر
فغان و ناله کنان، کودک گرسنه و زار
درون کلبه صدا می کند «چرا مادر؟»

... و نمونه های دیگری که مویه های نسلی است بر ویرانه آرزوهای بر باد رفته! در طنین و

پژواک واژه ها، می مویید... پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی